

از لابلای یادداشت‌ها و نیشته‌های روزمره ام

جدال، مخالفت، ناسازگاری و بازی بدون قوانین

مسئولیت پذیری و انجام بموقع وظایف
آغاز تلاش‌ها و تحمل دشواری‌ها

ضعف در حکومتداری و واکنش فئودالی نظام
چگونگی رفع وجوه اختلاف
جستجوی پروسواس حقیقت
تعهد جامعه بین‌المللی

به رسم قبلی و بیش از همه در مورد، بمفهوم وسیع کلمه یادآور باید شد که مترادف جدال بمفهوم کل، آرزوم، بحث، پرخاش جویی، پیکار، جر، جنگ، حرب، خصومت، رزم، زد و خورد، ستیز، ستیزه، عناد، گیرودار، مجادله، مخاصمه، مرا فعه، کشمکش، مشاجره، معرکه، مقابله، منازعه، مناقشه، نبرد و نزاع پذیرفته شده است.

جدال بمفهوم خصومت کردن با کسی، سخت خصومت کردن با کسی و یا با کسانی نیز بکار رفته است. درگیری‌های لفظی و قسم خوردن را نیز جدال گویند. جدال دارای دو معنای می‌باشد. یکی بمعنای درگیری و دیگری برای اثبات یا نفی مطلبی. جدال یا بقصد احقاق حقوق و رد باطل انجام می‌گیرد یا بقصد اظهار فضل و چیرگی بر طرف مقابل.

مذاکره و گفتگو، یگانه وسیله بمنظور رفع اختلافات و معقولترین شیوه حل و فصل مناقشات محسوب می‌گردد. هیچ برخورد و منازعه‌ای راه حل نظامی نداشته و بویژه در برخورد های داخلی و زد و خورد های محلی که هموطنان یک کشور در مقابل هم و در رویارویی های مسلحانه قرار می‌گیرند، هرگز تفوق یکی برد دیگری اصلن بدست نیامده، بلکه در نهایت و انجام کار، این مذاکره و مفاهمه و کنار آمدن هاست که کارساز بوده و نه کنار رفتن‌ها. بارتباط مطالب گفته آمده، باید متذکر گردید که چندی قبل محمد اشرف غنی رئیس جمهوری کشور، آتش بس یکجانبه با "طالب"ها در کشور اعلام نموده و در عوض، در مورد تداوم مبارزه با سایر گروه‌های تروریستی از جمله دربار مبارزه با داعش تأکید ورزید. در این مقطع سوالی مطرح می‌گردد که چرا و بکدام منظوری، حاکمیت سیاسی کشور به چنین اقدامی مبادرت ورزید؟

قابل یادآوری می‌باشد که آتش بس یکجانبه اعلام شده، به مدت زمان هفت روز، بخصوص در ایام عید باید مرعی الاجراً می‌گردید که قسمن اجراً و عملی گردید. این آتش بس از تاریخ ۲۷ ماه رمضان در کشور نافذ گردیده و تداوم آن نیز مطابق اوضاع و شرایط کشور، در صورت امکان میسر نیز بود. باوجود آنکه بصورت مکرر و چندین مراتبه حاکمیت کنونی در کشور آمادگی اش را بمنظور آغاز مذاکرات صلح آمیز و ختم جنگ در لفظ ابراز داشته است، این نخستین مراتبه بود که پس از آخرین انتخابات ریاست جمهوری در کشور، محمد اشرف غنی، آتش بس را بطرف مقابل پیشکش نمود.

رئیس جمهوری کشور همچنان در بیانیه منتشره از جمله تذکر بعمل آورد که چنین اقدام به اتخاذ موضعگیری صلحجویانه و حل و فصل سیاسی قضایا به گمان غالب که بنفع همه جوانب و طرف های ذیدخل در قضایای کشور ما بوده و به یقین که تمایل به صلح و قطع جنگ و خونریزی از جمله آرزومندی های کلیه هموطنان کشور ما محسوب می‌گردد. دست اندرکاران ان مسایل مربوط به کشور ما چنین ابراز نظرمی نمایند که بدین ترتیب حکومت افغانستان با چنین اقداماتش در صدد انشعاب

و دودستگی و یا شاید حتی سبب چند دستگی در مجموعه گروه نامبرده گردیده و از امکانات و وسایل موجود در عرصه مبارزه با گروه "دولت اسلامی" (داعش)، صفوف نیروهایش را بیش از پیش تقویت نموده و از رهگذر تاکتیکی و ستراتیژی یکی، مبارزه یادشده را تداوم بخشد که در واقعیت امر، نوع دیگری از تداوم نبرد و ادامه تشنج در اراضی کشور ما محسوب می گردد، چه، از رهگذر موضعگیری دولت افغانستان، در وضعیت کنونی مبارزه با داعش، از جمله مهمترین و عمده ترین رسالت های قوای مسلح کشور بحساب می آید.

بعضی هاهم متیقن اند که با تشدید اختلافات در میان صفوف نیروهای مسلح مخالف و کمرنگ شدن تفاوت دیدگاهها میان صفوف قوای مسلح کشور، ممکن بخشی از معضلات چگونگی دستیابی به ختم جنگ و برادرکشی در کشور رفع گردد. متأسفانه، تجربه های قبلی عکس مطلب را به اثبات رسانیده است.

قابل تذکر می باشد که در آستانه اعلام آتش بس، انفجار انتحاری در شهر کابل بار دیگر بر تشویش و دلهره اهالی کشور افزود که در نتیجه بتعداد ۱۲ تن از هموطنان ملکی کشته و همچنان بتعداد ۳۱ تن از شهریان کابل نیز زخم برداشتنند. سوالی مطرح می گردد که آیا تلاش های دولت افغانستان بمنظور مذاکره با مخالفان سیاسی امکان پذیر می باشد؟

دولت افغانستان سعی می ورزد تا با گشودن باب گفتگو، مصالحه را با آنعده از نیروهای یادشده که از جنگ روگردان بوده و بیشتر از این تداوم نبردهای مسلحانه را به صلاح نمی بینند، آغاز نموده و با استفاده از راهها و وسایل موجود، علیه گروه های مسلح جنگ طلب، علیه آنانیکه جز تداوم جنگ و کشتار و ویرانی، بدیل دیگری سراغ نمی نمایند، مبارزه و نبرد را بمنظور نابودی کامل آنها همچنان تداوم بخشد.

"طالب"ها در عرصه مبارزه علیه "دولت اسلامی"، چنین استدلال می نمایند که داعش متشکل از نیروهای "شریرواستخدا" ام شده" بوده که بمنظور بذرخصومت و اختلافات در صفوف جنگجویان "طالب"ها نفوذ و رخنه نموده اند تا یگانگی آنها را مورد سوال قرار داده و آنها را علیه یکدیگرشان تحریک و تشجیح نموده و اسلام و عقاید اسلامی را بگونه معکوسی به جهانیان معرفی نمایند.

نباید فراموش نمود که در مناطق و محلاتی واقع در شرق کشور، "طالب"ها بگونه فعالی مبارزه علیه داعش را همچنان ادامه می دهند و اما در شمال کشور، عکس مطلب بمشاهده می رسد. آنها مبارزه و اقدامات شان را با نیروهای داعش هماهنگ نموده اند، این مسأله قابل تذکر می باشد که از وحدت و یگانگی "طالب"ها مانند اوایل پیدایش گروه نامبرده، اکنون خبری در میان نمی باشد.

دست اندرکاران امور عقیده دارند که برای "طالب"ها، اصل پشتونیزم در مقایسه با اسلامگرایی جای نخستین را احراز می نماید. آنها بواسطه میکانیزمی ایجاد گردیده و در کارزار مبارزه و نبرد بکار انداخته می شوند و اگر چنین وضعیتی موجود نباشد، آنها به اسلامیزم رو می آورند و بایست یادآور شد که شرایط، آنها را با گروه های دیگری باهم پیوند می دهد.

علاوه بر آن، بسیاری ها معتقدند که اعلامیه اشرف غنی در مورد قطع آتش جنگ و بمنظور آغاز روند مذاکرات صلح در کشور با مخالفان مسلح، نه، بلکه بمنظور کمپاین انتخاباتی بنفع اشخاص و افراد مورد نظر نامبرده صورت گرفته است. پس از سال روان و طی سال آینده، باید انتخابات ریاست جمهوری در کشور انجام گردد. نباید فراموش خاطر ما گردد که به میدان آمدن رهبرکشورنه تنها بعنوان نماینده اکثریت قوم، بلکه انتخاب رهبرکشور بمنابته نماینده اکثریت باشندگان سرزمین کشور عزیز ما مطرح بحث می باشد.

عده ای هم چنین تصور می نمایند که ممکن وضعیت از آنچه پیشبینی می گردد، متفاوت بوده و این امر نیز محتمل بنظر می رسد که "طالب"ها با نیروهای "دولت اسلامی" (داعش) متحد گردند.

تعداد بیشماری از "طالب"ها، اشرف غنی را بمنابته عروسک و دست نشانده ایالات متحده می پندارند. آنها چنین تصور می نمایند که اصل "جهاد" به ایالات متحده تسلیم داده شده است. در چنین وضعیتی، بگمان اغلب، آنها در جهت مخالف با "داعش" اقدام نموده که در نوع خود اثرات کاملن معکوسی را ببار خواهد آورد.

بدلائل گفته آمده در فوق، "طالب"ها وابسته به بسیاری از عوامل و فاکتورهای خارجی شمرده می شوند. از جمله در مورد می توان از عامل پاکستان نامبرد که کمک های سخاوتمندانه ای به گروه متذکره اختصاص داده و موارد تسلیحاتی آنان را نیز مهیا نموده و در دسترس آنها قرار می دهد. این گزینه بعید بنظر نمی رسد که "طالب"ها بگونه مستقل و یکجانبه با حاکمیت کشور وارد مذاکرات و تفاهمات آشتی جویانه گردند، چون کشوری که سال های سال از آنها پشتیبانی مالی و معنوی بعمل آو

رده و مبالغ هنگفتی را در زمینه هزینه نموده است، باید اطمینان حاصل نماید که پس از حصول توافق و آشتی در افغانستان، منافع ملی آن کشور بگونه مصونیتی حفظ می گردد.

قابل یاددهانی پنداشته می شود که بسیاری از گروهها و سازمانها و حتا بعضی از حاکمیت های سیاسی در منطقه ما سعی می ورزند تا از وحدت و یگانگی "طالب"ها با گروه "دولت اسلامی" جلوگیری بعمل آورند. چه، اگر چنین نزدیکی تحقق پذیرد، بمثابة بزرگترین تهدید برای منطقه محسوب گردیده و خطرات متعددی را ببار خواهد آورد.

بسیاری از بازیگران منطقوی هر کدام بنوبه خویش، چنین تصویری نمایند که بمنظور ختم داعیه "طالب"ها، معاونت ها و پشتیبانی های مالی، تسلیحاتی، لوژستیکی و... پاکستان به گروه متذکره باید قطع گردیده و پناهگاههای امن آنها نیز در اراضی و سرزمین پاکستان باید برچیده شود. هند، کشوری که به آرامی ناظر عملکردها و فعالیت های پاکستان در منطقه است، نیز با واقعیت متذکره همنا می باشد.

نباید فراموش نمود که یادآوری از مسأله افغانستان در مجموعه سیاست بین المللی، واقع در داور می باشد. شرایط در سراسر کشور عزیز مطلوب بنظر نرسیده و دورنمای صلح و استقرار امنیت سراسری در آینده های نزدیک هم چندان متصور نمی باشد. قوای بین المللی برهبری ایالات متحده و ناتو در کشور عزیز ما، در پی دستیابی به اهداف منحصر بفرد شان می باشند. مبارزه علیه دهشت افگنی و جلوگیری از کشت، زرع و قاچاق مواد مخدر، صرف و فقط به یک آرزومندی مبدل گردیده است. تهیه و تدوین ستراتیژی های گونه گونه و پیهم در مورد کشور ما نیز کار ساز نبوده و سایر وعده ها و تعهدات سپرده شده گویا صرف و صرف روی کاغذ به موجودیت و حیات شان ادامه داده و هرگز از قوه بفعل مبدل نگردیدند. منظور و هدف ایالات متحده در شرف بر آورده شدن بوده و اما بعوض جنگجویان قبلی، نیروهای تازه نفسی وارد کارزار می گردند. علاوه بر آن، این واقعیت را نباید از یاد برد که بسیاری از کشورهای شرکت کننده در عملیات کنونی محاربوی در افغانستان، بویژه عده ای از کشورهای اروپایی در صدد واگذاری و سپردن مسوولیت های امنیتی به نیروهای نظامی و امنیتی افغانی و خواستار فراخواندن نیروهای رزمی شان از کشور ما بودند. گرچه تفاوتی در درجه علاقمندی ها و آرزومندی های کشورهای اروپایی در مورد اعاده صلح و امنیت در کشور ما بمشاهده نمی رسد، اما بادر نظر داشت موقف و موضعگیری حکومت ها و دولت های دخیل در قضایای کشور ما، نباید فراموش نمود که مسأله منافع ملی هر کشوری در کلیه قضایای داخلی، منطقوی و جهانی، در اولویت قرار داده می شود.

در عین زمان، ایالات متحده بصورت یک کل به افزایش بیشتر حضور نظامیان آن کشور در اراضی افغانستان بهدفع شکستادن بن بست کنونی مبادرت ورزید. می توان مسأله را بیشتر انکشاف داده و چنین متذکر گردید که در زمینه وعده های سرخرمن انتخاباتی بارک اوباما مبتنی بر فراخواندن نظامیان آن کشور از عراق و اعزام آنها به افغانستان در ذهن ها تداعی می گردد. اداره کنونی و اشنگتن برهبری دونالد ترامپ نیز به اعزام بیشتر نظامیان کشورش به افغانستان تمایل نشان داده و همچنان خاطر نشان نموده که با فرستادن نیروهای بیشتر و در عین زمان با تشدید فعالیت های نظامی و جنگی، به حیات مخالفان در کشور، نقطه پایان خواهد گذاشت.

نباید در مورد قضایای کشور بگونه آرمانی سخن گفت، از سکوی ایراد بیانیه ها و از بر خواندن مقاله ها و دستور العمل های دلگرم کننده لطفن به پایین خزیده و در متن قضایای موجود کشور ما به جستجوی پروسواس حقیقت مبادرت ورزید تا باشد اگر بخت یاری نماید و به ذره کوچکی از واقعیت های عینی و سرسختی که از موجودیت آنها هنرمندانانه طفره می روید، دستیابی حاصل نموده که در چنین صورتی، موضعگیری ها و ابراز نظر های تان از بیخ و بن دگرگون خواهد گردید.

باوجود اینهمه، در وضعیت و شرایط کنونی، از بهتر شدن اوضاع سیاسی - اجتماعی کشور نمی توان سخنی بمیان آورد. وضعیت کنونی کشور ما و مصروفیت ها و مشغولیت های ایالات متحده، اذهان عامه و مالیه دهندگان آن کشور را بیشتر از این، علیه تداوم جنگ کنونی در کشور ما که واقع به بن بست رسیده، برانگیخته است. ستراتیژیست های ایالات متحده در صدد انتخاب راه و دستیابی به وسایلی می باشند که زخم خونین و چرکین قبلی را که تا کنون به عفونت های ناشی از آن اصلن توجه لازم نگردیده، تا دیر نشده، مداوا نمایند.

متأسفانه، چه در اوضاع و احوال قبلی و چه در شرایط کنونی کشور ما، جنگجویان گونه گونه و با طرز نگاه و برداشت های مشخصی بخصوص از کشورهای هم مرز ما، از جمله از تاجیکستان و ازبکستان که تعداد آنها به صد هاتن می رسد و بخش اعظم آنها را اعضای "جنبش اسلامی ازبکستان" تشکیل می دادند، به کارزار جنگ و نبرد در کشور ما دیسانت گردیده

وجنایات بیشماری را در قبال هموطنان رنج کشیده و زجر دیده ما مرتکب گردیدند. چندی قبل، پس از آنکه عملیات گسترده نظامیان پاکستانی در مناطق و بخش های شمالی آن کشور آغاز گردید، جنگجویان مناطق متذکره نیز وارد کشور ما گردیده و در ولایت های هم مرز به خرابکاری و انجام فعالیت های تروریستی مبادرت ورزیدند. مطابق اظهارات معاون وزارت دفاع تاجیکستان، انجام عملیات نظامی ناتو و قوای مسلح افغانستان علیه "طالب"ها در بخش های شمالی کشور، نیروهای مسلح مخالف کشور را بیش از پیش به تحرک واداشته تا در حوالی و گوشه و کنار مرزهای تاجیکستان - افغانستان جابجا گردند. اما در کشورهای تاجیکستان و ازبکستان، اعضای جنبش های یادشده، پس از محکمه به مجازات های سنگینی محکوم گردیدند.

در اینمورد باید یادآور گردید که آسیای مرکزی بخودی خود، بخش انفکاک ناپذیر حل و فصل مشکل کشور ما را تشکیل می دهد. جابجایی و نگهداری قوت های نظامی ایالات متحده در قرغیزستان، بهترین شاهد مدعای ما محسوب می گردد. اما بسیاری از برنامه های نظامی ایالات متحده و چگونگی اجرای آنها، بمثابه یک مجموعه، نگرانی های روسیه را نیز ببار آورده که آسیای مرکزی را بمثابه منطقه منافع حیاتی و برترش محسوب می نماید.

بگونه خلاصه باید یادآور گردید که متأسفانه تاکنون اوضاع و شرایط در مورد کشور عزیز ما غبار آلود و بحرانی تصویر گردیده است. در مجموع با در نظر داشت واقعیت های گفته آمده در بالا، می توان چنین نتیجه گیری بعمل آورد:

۱- ایالات متحده و هم پیمانان ناتوی آن کشور از نداشتن و نبود ستراتیژی مشخص در مورد کشور ما که سبب حل و فصل معضلات بنیادی گردد در رنج و عذاب می باشند. مطالب و مسایلی در مورد خروج نیروها و قوت های نظامی و اعاده اقتدار مقامات اداره محلی و همچنان ایده های نا امید کننده ای در مورد امکان پیشبرد و تداوم روند صلح آمیز حل و فصل قضایای کشور؛

۲- روز تا روز، زنگ های خطر درگیری ها، اوضاع پر آشوب کشور را متشنج تر می سازد. تجمع گسترده جنگجویان مخالف چه در مناطق شرقی کشور که با پاکستان هم مرز می باشند و چه در مناطق شمالی که با کشورهای آسیای مرکزی مرز مشترک دارند، جای نگرانی دارد؛

۳- وضعیت دشوار رویارویی در منطقه، کشورهای آسیای مرکزی را بمثابه گروگان هایی مبدل نموده که توسعه یک طرح ملی در مورد را بیش از هر زمان دیگر غامض و پیچیده نموده است.

اما بایست متذکر گردید که در ایام پسین، نشانه هایی از تمایل طرف های دیدخل در زمینه حل و فصل سیاسی قضایای کشور، عملن بمشاهده می رسد. اما، بازی ها تا ناکجا آباد همچنان ادامه دارد.

بیست و پنجم ماه جون سال ۲۰۱۸